

## زنده گینامه مختصر

### کارل مارکس

کارل مارکس (Karl Marx) سومین پسر از هشت فرزند یک حقوقدان یهودی بنام هاینریش مارکس (Heinrich Marx) (۱۷۷۷-۱۸۳۸) بود که در سال (۱۸۱۶) و یا (۱۸۱۷) به مسیحیت پروتستان رو آورد و مادرش ریتا مارکس (Rita Marx) (۱۷۸۸-۱۸۶۳ متولد پرس بروک) نام داشت.

کارل مارکس در پنجم می (۱۸۱۸) در ترییر (Trier) کشور آلمان که در آن هنگام در پرویس (Preus) ناحیه ساحلی راین قرار داشت به دنیا آمد. پدرش به خاطر دریافت کار در زمان پرویس (Preus) از یهودیت به مسیحیت پروتستانتیزم روی آورد چون با دین یهودیت، گرفتن وظیفه از دولت پرویس (Preus) برایش ممکن نبود. تا سال (۱۸۲۴) مارکس با سایر اطفال آمیزش پیدا کرد و در سالهای (۱۹۳۰-۱۸۳۵) تحصیلات متوسط خود را در مکتب عالی آلمان (Gymnazum) با اوسط نمرات بسیار عالی به پایان رسانید. در سالهای (۱۸۳۵-۱۸۳۶) مارکس غرض تحصیل در رشته حقوق شامل پوهنتون شهر بن آلمان گردید. اما در سال (۱۸۳۶) به شهر برلین رفت.

مارکس از (۱۸۳۶-۱۸۴۱) در برلین تحصیلات خود را در حقوق، فلسفه و تاریخ به پایان رسانید و دوکتورای خود را در رشته فلسفه از پوهنتون برلین بدست آورد. داشتن اندیشه های چپ ادامه تحصیل اکادمیک او را محدود ساخت. مارکس در رساله دوکتورای خود تحت عنوان «اختلاف بین فلسفه طبیعی دموکریتوس و اپیکور» از ماتریالیسم اپیکور طرفداری کرد و در این سال ها بود که با هگلیان جوان کلوب دکتور (Doctor club) تماس برقرار نمود.

در سالهای ( ۱۸۴۱ - ۱۸۴۲ ) دو باره به شهر بن برگشت و ابتدا همکار و بعداً مسؤلیت روزنامه راینیشن زایتونگ کلن ( *Rheinischen Zeitung* ) را عهده دار گردید.

در سال ( ۱۸۴۳ ) مارکس همکاری خود را با این نشریه قطع نمود زیرا از رفتار محافظه کارانه سهامداران روزنامه نا امید شده و نشر روزنامه راینیشن زایتونگ نیز ممنوع گردید در مارچ همین سال با جینی فون و ستفالن ( *Jenny von Westphalen* ) ازدواج کرد و عازم فرانسه گردید.

در سالهای ( ۱۸۴۳ - ۱۸۴۵ ) در پاریس با هانریش هاینه ( *Heinrich Heine* ) ، پرودن ( *Prodon* ) و باکونین ( *Bakounin* ) آشنا شد و آغاز مطالعات فلسفی خویش را در باره اقتصاد و نظریات هگل در چند مقاله دستنویس شده تشریح نمود در همین جا بود که در سال ( ۱۸۴۴ ) با دوست همیشه گی خود فریدریش انگلس ( *Fridrich Engels* ) که دو سال از او جوانتر بود ، آشنا گردید و کار مشترک را آغاز کردند. این دوستی و رفاقت تا مرگ مارکس ادامه یافت انتشار اولین نوشته مشترک مارکس و انگلس : «خانواده مقدس» است . مارکس و انگلس مشترکاً سه کتاب نوشته اند که عبارت اند از:

۱- «خانواده مقدس»، ۲- «ایدئولوژی آلمانی» و سرانجام ۳- «مانیفست حزب کمونیست». که کتاب اخیرالذکر مهمترین متن تاریخ ادبیات سوسیالیستی به حساب می‌رود. با وجود آن مارکس و انگلس هر یک شخصیت فردی و نیز شخصیت فکری مستقل خود را داشته اند.

«خانواده مقدس» اولین کار مشترک مارکس و انگلس است ، که در سال ( ۱۸۴۴ ) در پاریس تحریر یافت. این کتاب نقدیست علیه جوانان پیرو اندیشه های هگل. مارکس و انگلس در این کتاب می‌نویسند: « تاریخ یک شخصیت جداگانه نیست که انسان را به مثابه ابزاری برای مقاصد خود بکار برد. تاریخ چیزی نیست جز فعالیت انسان که در پی مقاصد خود می‌کوشد.»

مطلب عمده در آموزش مارکس توضیح چگونگی نقش جهانی- تاریخی پرولتاریا بمثابه ایجاد کننده جامعه سوسیالیستی است. برای اولین بار مارکس در سال (۱۸۴۴) آن را مطرح ساخت. "مانیفست حزب کمونیست" مارکس و انگلس، که در سال (۱۸۴۸) منتشر شد، بیان جامع و منظمی از این آموزش است که تا کنون بهتر از آن دیده نشده است. تاریخ جهان از این زمان به بعد آشکارا به سه دوره عمده تقسیم میشود:

۱- از انقلاب (۱۸۴۸) تا کمون پاریس (۱۸۷۱)؛

۲- از کمون پاریس (۱۸۷۱) تا انقلاب روسیه (۱۹۰۵)؛

۳- از انقلاب روسیه به بعد .

مارکس در سال (۱۸۴۵) به دلیل فعالیتهای سیاسی و فشار دولت وقت آلمان (حکومت پرویس (Preus)) بر دولت فرانسه که مارکس را بعنوان «انقلابی خطرناک» معرفی کرده بود، از فرانسه اخراج و به بروکسل مهاجرت کرد، سه سال در آنجا اقامت داشت. در دوران اقامت در بروکسل «تزهایی در باره فویر باخ» را نوشت و در همین کتاب است که حکم معروف خود را پیش کشید: «فلاسفه تا کنون به اشکال مختلف جهان را تعبیر کردند، ولی اکنون مسئله تغییر آن مطرح است.»

طی اقامت در بروکسل (۱۸۴۵- ۱۸۴۸) ایدئولوژی آلمانی را در همکاری با انگلس نوشت. مارکس و انگلس در سال (۱۸۴۷) به عضویت سازمان «اتحادیه کمونیستها» پذیرفته شدند، که دفتر مرکزی این سازمان در لندن و به شکل مخفی فعالیت مینمودند. در نوامبر (۱۸۴۷)، دومین کنگره «اتحادیه کمونیستی» تدویر یافت، مارکس و انگلس غرض اشتراک در این کنگره به لندن رفتند. دومین کنگره «اتحادیه کمونیستها» به مارکس و انگلس وظیفه سپرد، تا اصول برنامه یی این اتحادیه را تدوین نمایند. این برنامه همانا «مانیفست حزب کمونیست» است که در پایان سال (۱۸۴۷) و اوایل سال (۱۸۴۸) تحریر شد، این رساله در آستانه انقلاب سال (۱۸۴۸) منتشر شد. نویسنده اصلی «مانیفست حزب کمونیست» مارکس ۲۹ ساله

بود. این سند بدون تردید مشهور ترین اثر مارکسیستی و ادبیات سوسیالیستی جهان به شمار می‌رود. «مانیفست حزب کمونیست» با این جملات پایان می‌یابد: «کمونیست‌ها نیازی ندارند که افکار و مقاصد خود را پنهان کنند. آنان آشکارا اعلام می‌دارند که یگانه راه رسیدن به هدفهای شان متلاشی ساختن نظام معاصر از طریق اعمال زور است. بگذار که طبقات حاکمه در آستانه انقلاب کمونیستی به لرزه در آیند. کارگران چیزی ندارند که از دست بدهند مگر زنجیرهایشان. آنان تمامی جهان را بدست می‌آورند! **کارگران جهان متحد شوید**». «مانیفست حزب کمونیست» در فبروری (۱۸۴۸) در لندن به زبان آلمانی اقبال چاپ یافت.

مارکس در سال (۱۸۴۷) با پرودن فیلسوف فرانسوی اختلاف نظر پیدا نمود و کتاب «فقر فلسفه» را نوشت که سرشار از مباحثه با او است. در این کتاب می‌نویسد: «در هر دوره تاریخی، مالکیت به گونه متفاوت و در مجموعه از مناسبات اجتماعی متفاوتی تکامل می‌یابد. بدینسان تعریف مالکیت بورژوایی چیزی جز ارائه بیانی از تمامی مناسبات اجتماعی تولید بورژوایی نیست.» در همین اثر می‌نویسد: «وظیفه اصلی تیوریسین‌های پرولتاریا این است، که به پیکار پرولتاریا که در پیش چشمان شان جریان دارد، دقت کنند و بکوشند تا تبدیل به سخنگویان آن شوند.»

در سال (۱۸۴۸) مارکس از بروکسل تبعید می‌شود و پس از توقف کوتاهی در پاریس، به شهر کلن آلمان می‌رود این بار به همراهی انگلس «روزنامه جدید راین» (*Neuen Rheinischen Zeitung*) رابه نشر میرساند. در این دوران تحلیل مارکس این بود که شرایط برای انقلاب سوسیالیستی هنوز فراهم نیست و بدین منظور مقالاتی در باره دفاع از انقلاب بورژوایی نوشت. و در این زمان مدیر مسؤل روزنامه جدید راینیشه زایتونگ (*Neuen Rheinischen Zeitung*) می‌شود. و اولین بار در باره کار، دستمزد و سرمایه در این روز نامه مقالات مینویسد وی در این روزنامه مبارزه فعال را برای برانگیختن امواج انقلابی و سمت دادن جنبش انقلابی در آلمان آغاز می‌کند. دولت آلمان از بیم انقلاب نمیتوانست از ورود مارکس به کشورش جلوگیری کند زیرا مارکس، جوانی پرشور و نسبتاً سرشناس و مؤلف چند کتاب بود در این هنگام در

سن ۳۰ سالگی قرار داشت و از جهت فکری نیز در باره مسایل اقتصادی، تاریخی، سرمایه داری و کمونیسم نظریات داشت.

در ( ۱۸۴۹ ) دور دوم روزنامه ( *Neuen Rheinischen Zeitung* ) توقیف شد. مارکس بطور غیابی محاکمه و در فوریه سال ( ۱۸۴۹ ) ناچار به مهاجرت دو باره به لندن گردید. او تا پایان عمر در انگلستان باقی ماند و تنها چندبار به قصد مسافرت کوتاه از لندن خارج شد. خود او این سالهای در بدری را که قریب ۳۴ سال طول کشید، «شبهای طولانی و تاریک مهاجرت» نامیده است.

«مارکس قبل از هر چیز یک فرد انقلابی بود و آرمان بزرگ زندگی این بود که در هر نهضتی که برای سرنگون ساختن جامعه سرمایه داری و تشکیلات دولتی وابسته به آن آغاز می شود دست داشته باشد.»

مارکس همواره تیوری و پراتیک را با هم در می آمیخت و آثار خود را نیز در پاسخ به تحولات و نیاز های سیاسی زمان خود می نوشت. پس از پایان و فروکش کردن شعله های انقلاب فرانسه، دو کتاب در باره تحلیل و جمع بندی تجربه انقلاب فرانسه نوشت: «مبارزه طبقاتی در فرانسه از سال ( ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ )» که در سال ( ۱۸۵۰ ) و کتاب «هجدهم برومر لویی بناپارت» که در سال ( ۱۸۵۲ ) اقبال چاپ یافت. هر دو کتاب برداشت های مارکس از شکست انقلاب ( ۱۸۴۸ ) در فرانسه است، در کتاب «مبارزه طبقاتی» مارکس از پرولتاریا می خواهد که حساب خود را از «خرده بورژوازی» جدا کند.

مارکس در سالهای ( ۱۸۵۱-۱۸۵۷ ) ناگزیر شد مطالعات اقتصادی خود را رها کند تا برای تأمین زندگی به روزنامه نویسی بپردازد. در این سالها با روزنامه نیویورک تریبون همکاری میکرد همچنان انحلال «اتحادیه کمونیستی» اعلام گردید.

مارکس در سالهای ( ۱۸۵۹-۱۸۶۳ ) با مشکلات مالی دائمی روبرو بود. اکثراً او را دوست همیشه گی اش انگلس که وضع اقتصاد بهتر داشت کمک مینمود مارکس در

این سال ها همکاری خود را با روزنامه نیویارک تریبون قطع و با روزنامه Die presse در وین همکاری مینمود همچنان با لاسال (Lasal) رابطه او قطع گردید.

در ۲۸ سپتامبر (۱۸۶۴) همراه دوست و هم‌رزم خود انگلس در پایه گذاری، شکل و ایجاد «اتحادیه بین المللی کارگران» (انتر ناسیونال اول) سهم بزرگ گرفت اساسنامه و سخنرانی افتتاحیه این انترناسیونال را نوشت که هدف از آن متحد ساختن پرولتاریای اروپا، امریکا و سراسر جهان بود. اعلامیه این انترناسیونال توسط مارکس و انگلس تهیه گردید، که در حقیقت برنامه عمل طبقه کارگر برای استقرار حکومت کارگری و سرنگونی قدرت سرمایه داری بود. کتاب سرمایه پس از ۱۸ سال کار و کوشش مارکس که با گرسنگی و محرومیت همراه بود در اواخر سال (۱۸۶۶) با متن آلمانی به پایان رسید و نسخه کامل جلد اول آن به هامبورگ ارسال شد و در سال (۱۸۶۷) تحت نظر مارکس به ویراستاری همسر مهربانش در هزار نسخه از چاپ خارج گردید. این کتاب در سومین کنگره انترناسیونال در سال (۱۸۶۸) مورد ارزیابی قرار گرفت و توصیه گردید، تا طبقه کارگر آنرا دقیقاً مورد مطالعه خود قرار دهند. در سال (۱۸۷۲) ترجمه این کتاب به زبان روسی و در سال (۱۸۷۵) ترجمه فرانسوی آن توسط ژول روا به همکاری خود مارکس و در سال ۱۸۹۷ ترجمه آن به زبان انگلیسی اقبال چاپ یافت. پس از شکست کمون پاریس (۱۸۷۱) جنبش طبقه کارگر با مشکلات، شکست های زیادی مواجه و زمینه فعالیت برای انترناسیونال اول محدود گردید و در کنگره انترناسیونال اول در سال (۱۸۷۲) در لاهه به پیشنهاد مارکس تصمیم گرفته شد تا شورای عمومی آن به نیویارک انتقال داده شود و چهار سال بعد در یک کنفرانس که در فلادلفیا دایر گردید انتر ناسیونال اول رسماً منحل اعلان گردید.

پس از آن مارکس همه زنده گی خود را صرف نویسنده گی و کار فکری کرد. در سال (۱۸۶۸) توجه مارکس به کمون های روسیه و تحقیق در باره روسیه معطوف شد.

بدون تردید «سرمایه» مهمترین اثر مارکس است، که تنها پس از مرگ وی در سراسر اروپا مشهور شد. باید توجه کرد هنگامی که مارکس «سرمایه» را می نوشت سرمایه

داری هنوز در جهان به شیوه تولید مسلط تبدیل نشده بود و تنها در چند کشور غربی رشد یافته بود.

در سال ۱۸۸۱ همسر مارکس جینی (Jenny) درگذشت و با اشتراک مارکس مراسم تدفین او انجام پذیرفت و در سال بعد مرگ دخترش اورا اندوهبار میسازد. و در نامه‌ای که بعدها به لاسال نوشت مینویسد: "باکون می‌گوید که مردان صاحب ارزش واقعی روابط بسیار با طبیعت و جهان دارند و به قدری موضوعات قابل توجه در نظر ایشان است که به سهولت بر هر نوع اندوه و نقصان پیروز میشوند. اما من در ردیف چنان مردان ارجمند نیستم. مرگ کودکم اعماق قلب مرا آنچنان تکان داده و مغز مرا چنان متلاشی کرده است که حس می‌کنم این مرگ تازه به وقوع پیوسته و امروز روز اول آن است".

سالهای پایانی زندگی مارکس کم و بیش مانند سابق سخت و اندوهبار گذشت. وضع وخیم مالی، مشکلات خانواده گی، بیماری افسرده گی عصبی همسرش، بیماری تنفسی مزمن خود او، گوشه‌ای از مصیبت‌های زندگی شخصی او را نشان می‌دهد. فیلسوف، دانشمند، محقق و متفکری که با ایده‌ها و زندگی خود، حتی سالها پس از مرگ جهان را به لرزه انداخت، سرانجام در ۱۴ مارچ (۱۸۸۳) دیگر از خواب آرام برنخاست و بی صدا و ساکت به خواب ابدی فرو رفت. مارکس در قبرستان هایگیت لندن به خاک سپرده شده است.

**انگلس در مرگ هم‌رزم خود مارکس گفت: مارکس قانون تکامل بشری را کشف کرد.**

لازم به تذکر است که جلد دوم کاپیتال یا سرمایه در سال (۱۸۸۵) و جلد سوم آن در سال (۱۸۹۴) به همت دوست مهربانش انگلس منتشر گردیده است.

## منابع

1- [http://de.wikipedia.org/wiki/Karl\\_Marx#Leben](http://de.wikipedia.org/wiki/Karl_Marx#Leben)

2- <http://gutenberg.spiegel.de/autoren/marx.htm>

3- <http://www.buber.de/christl/unterrichtsmaterialien/marx.html>

4- [http://classiques.uqac.ca/classiques/Marx\\_karl/marx\\_karl.html](http://classiques.uqac.ca/classiques/Marx_karl/marx_karl.html)

5- <http://www.mlwerke.de/me/default.htm>

6- <http://www.marxists.org/farsi/index.htm>

*[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)*